گزارش

از «دورهمی» تا «پامپ»؛

تکثیر تاک‌شوها و عطش گفت‌وگو در رسانه‌های ایرانی

علی کلانتری
منتقد

در چند سال اخیر، رشد بی‌سابقه‌ی برنامه‌های تاک‌شو در ایران به پدیده‌ای قابل توجه بدل شده است. از تلویزیون رسمی گرفته تا پلتفرم‌های نمایش خانگی و اکنون کانال‌های یوتیوب، قالب گفت‌وگو بیش از هر ژانر دیگری رشد کرده، تنوع یافته و مخاطب پیدا کرده است.به عنوان مثال برنامه‌هایی چون دورهمی و خندوانه در تلویزیون، هم‌رفیق و شباهنگی و امثالهم در پلتفرم‌های خصوصی و حتی گفت‌وگوهای ساختارشکنانه‌تری مثل رُک، ساطور یا پامپ در یوتیوب، هرکدام به نوعی نشان می‌دهد که گفت‌وگو در ایران به کالایی فرهنگی و سرگرم‌کننده بدل شده است؛ کالایی که در عین سادگی، نشانه‌ای از تحولات عمیق اجتماعی و رسانه‌ای است. اینکه چرا گفت‌وگو، که زمانی در فرهنگ ایرانی امری روزمره و طبیعی بود، حالا باید در قالب برنامه‌های رسمی و تصویری بازتولید شود، خود سؤالی اساسی است. شاید بتوان گفت جامعه‌ی امروز ما، در عصر تنش‌ها و قطب‌بندی‌ها، بیش از هر زمان دیگر نیازمند شنیدن و دیده شدن است و این نیاز در تاک‌شوها تبلور یافته است. برنامه‌های گفت‌وگو محور نه فقط محل شوخی و تفریح، بلکه به نوعی پناهگاه گفت‌وگویی در جامعه‌ای کم صدا شده است.

تاریخچه‌ی شکل‌گیری این موج در ایران را می‌توان از دهه‌ی هشتاد دید؛ زمانی که برنامه‌هایی مانند کوله‌پشتی با اجرای فرزاد حسنی یا مثلث شیشه‌ای با رضا رشیدپور برای نخستین‌بار فضای گفتگو با چهره‌های عمومی را در تلویزیون رسمی ایجاد کردند. اما نقطه‌ی اوج این مسیر در دهه‌ی نود بود؛ زمانی که خندوانه و دورهمی نشان داد مردم از تماشای گفت‌وگو، خنده و شوخی در یک قالب صمیمی استقبال می‌کنند. در همان زمان، پلتفرم‌های تازه تأسیس نمایش خانگی به دنبال تکرار این موفقیت رفت. همرفیق با حضور شهاب حسینی نخستین تلاش جدی برای انتقال این فرم به فضای آنلاین بود؛ تلاشی که با وجود انتقادهایی درباره‌ی کندی ریتم و عدم عمق در گفت‌وگو، مسیر تازه‌ای را برای دیگران هموار کرد.

امروز اما وضعیت متفاوت است. دیگر تاک‌شو فقط برنامه‌ای برای خنده و چهره‌سازی نیست، بلکه به میدان رقابت میان پلتفرم‌ها تبدیل شده است. اکنون در فیلیمو با ساختار جدی‌تر و گفتگوهای انسانی‌تر، نیمه شب در نماوا با اجرای امیرحسین قیاسی با تمرکز بر شوخی‌های اجتماعی و در سوی دیگر، برنامه‌هایی چون رک، پامپ و ساطور در یوتیوب که قالب رسمی را کنار گذاشته است و به گفت‌وگوهایی بی‌پرده‌تر و صمیمی‌تر روی آورده، نشان می‌دهد که «میل به گفت‌وگو» در جامعه ایرانی به مسیرهای متنوعی انشعاب پیدا کرده است.

این تکثیر البته فقط نشانه‌ی رقابت رسانه‌ها نیست؛ بیشتر از هر چیز، بازتاب یک نیاز اجتماعی است. جامعه‌ای که در آن فضاهای گفت‌وگو محدود یا رسمی است، به طور طبیعی میل به شنیدن و حرف زدن را در قالب‌های سرگرمی جست‌وجو می‌کند. در واقع، تاک‌شوها به نوعی جایگزین گفت‌وگوهای خانوادگی، محفل‌های فرهنگی و حتی صداهای خاموش شده‌ی اجتماعی شده است. تماشاگر ایرانی در این برنامه‌ها نه تنها به دنبال سرگرمی، بلکه به دنبال «بازتاب خود» است؛ میل به دیدن انسانی شبیه خویش که تجربه‌ای را با صداقت تعریف می‌کند، یا در برابر دوربین می‌خندد و می‌گرید.

از منظر رسانه‌ای نیز، تاک‌شو یکی از کم هزینه‌ترین و درعین‌حال پربازده‌ترین قالب‌های تولید است. حضور یک مجری توانمند، چند مهمان شناخته شده، طراحی صحنه‌ای ساده و ضبط در چند اپیزود فشرده می‌تواند میلیون‌ها بیننده و تبلیغ جذب کند. این ویژگی اقتصادی سبب شده تقریباً همه‌ی پلتفرم‌ها به سراغ این قالب بیایند. اما مسئله صرفاً مالی نیست؛ تاک‌شو، به ویژه در ساختارهای جدید، فرصتی برای برند شدن مجری‌ها نیز فراهم کرده است. از مهران مدیری و رامبد جوان گرفته تا شهاب حسینی یا حامد آهنگی، همه از دل تاک‌شوها برند رسانه‌ای ساختند و نوعی پرسونای عمومی برای خود شکل دادند؛ شخصیتی میان‌سینمایی، مردمی و رسانه‌ای که فراتر از اثر نمایشی یا فیلم است.

با این حال، تداوم این محبوبیت خطر تکرار را هم در پی دارد. بسیاری از برنامه‌ها، پس از موفقیت اولیه، در دام بازتولید همان فرمول افتاده‌اند؛ شوخی‌های سطحی، گفت‌وگوهای کوتاه و بی‌چالش و فقدان عمق در مواجهه با مهمان. در نتیجه، تفاوت میان گفت‌وگو و گپ زدن از میان رفته است. در حالی‌که ذات تاک‌شو بر پایه‌ی «تعامل» و «شناخت» استوار است، نه صرفاً لبخند و تبلیغ.

در این میان، برخی تولیدات اخیر مانند «اکنون» نشان داده که می‌توان میان صمیمیت و اندیشه توازن برقرار کرد. وقتی گفتگو از شوخی عبور می‌کند و به تجربه انسانی، خاطره و درک متقابل می‌رسد، تبدیل به سند فرهنگی می‌شود. به همین دلیل، بخشی از مخاطبان در سال‌های اخیر از تلویزیون به سمت پلتفرم‌ها و از آنجا به یوتیوب رفته‌اند؛ جایی که گفت‌وگوها نه سانسور دارد، نه ساختارهای خشک و رسمی. اما در همان‌جا نیز خطر دیگری وجود دارد؛ میل به جنجال و جذب بازدید، که گاه گفت‌وگو را به محتوایی زرد و حاشیه ساز بدل می‌کند.

در واقع، امروز تاک‌شو در ایران میان دو قطب حرکت می‌کند؛ از یکسو تلاش برای بازسازی گفت‌وگوی فرهنگی در قالبی مدرن و از سوی دیگر وسوسه‌ی جذب مخاطب با هر وسیله‌ای. هنر مجری و تهیه کننده این است که میان این دو قطب تعادل برقرار کند؛ همان‌طور که «دورهمی» در سال‌های نخست توانست هم شوخ طبع باشد، هم معنادار، یا «خندوانه» در دوره‌ای توانست حس جمعی و امید اجتماعی را بازآفرینی کند.

اگر به عمق ماجرا نگاه کنیم، تکثیر تاک‌شوها فقط مسئله‌ای رسانه‌ای نیست، بلکه نشانه‌ی دگرگونی فرهنگی است. جامعه ایرانی در دوران مدرن، بیش از هر زمان دیگری با پدیده «تنهایی جمعی» روبرو است؛ افراد در عین حضور در شبکه‌های اجتماعی، کمتر گفت‌وگوی واقعی دارند. تاک‌شوها این خلأ را پر می‌کنند؛ آن‌ها فضایی می‌سازند که در آن می‌توان به ظاهر بی‌واسطه حرف زد، خندید و شنید. هرچند همه می‌دانند دوربین در کار است، اما حس صمیمیت به اندازه‌ای است که این واسطه بودن فراموش می‌شود.

در تحلیل نهایی، می‌توان گفت محبوبیت بی‌سابقه‌ی تاک‌شوها در ایران حاصل هم زمانی چند عامل است؛ رکود ژانرهای دیگر در تلویزیون، قدرت جذب چهره‌های شناخته شده، ساختار ساده و قابل تکثیر و مهم‌تر از همه، نیاز عمیق جامعه به گفت‌وگو و ارتباط انسانی. در این معنا، تاک‌شوها صرفاً برنامه‌هایی برای خنده و سرگرمی نیست، بلکه نمود فرهنگیِ عصر ما است؛ عصری که در آن مردم برای شنیده شدن، ناچارند به برنامه‌های گفت‌وگو محور پناه ببرند.

در نهایت، مسیر آینده‌ی این قالب به کیفیت گفت‌وگوها بستگی دارد. اگر مجری‌ها از شهرت فراتر بروند و به کنجکاوی انسانی برسند، اگر پلتفرم‌ها به جای بازدید و ترند، به ارتباط و اثرگذاری فکر کنند، می‌توان امیدوار بود تاک‌شو در ایران از سطح سرگرمی عبور کرده و به یکی از فرم‌های مؤثر فرهنگی بدل شود. اما اگر در سطح شوخی و حاشیه بماند، همان‌قدر سریع که رشد کرد، افول خواهد کرد.

در هر حال، چه در قالب تلویزیون و چه در یوتیوب، رشد تاک‌شوها یک نشانه‌ی مهم دارد؛ جامعه‌ی ما هنوز میل به گفت‌وگو را از دست نداده است و تا وقتی این میل زنده است، شاید بتوان امید داشت که گفت‌وگو، نه فقط در قاب دوربین، بلکه روزی در واقعیت اجتماعی هم احیا شود.

معرفی کتاب

بزرگ مرد کوچک؛ زندگی سردار شهید علی صبوری قمی روایت شد

زندگی‌نامهٔ سردار شهید علی صبوری قمی، فرمانده مهندسی رزمی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) با عنوان «پلاک فرمانده» به قلم رضوان ابراهیمی جلال آبادی با همت «انتشارات ۲۷ بعثت» منتشر شد.

این اثر، روایتی تحلیلی و مستند از زندگی‌نامهٔ سردار شهید علی صبوری قمی، فرمانده مهندسی رزمی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) است. نویسنده با بهره‌گیری از عناصر داستان‌نویسی، به بازآفرینی رویدادها می‌پردازد. نویسنده اثر یادآور می‌شود که آنچه موجب نگارش این کتاب شد، نقش مؤثر و حضور فعال شهید در برهه‌های حساس انقلاب اسلامی است. مسئولیت‌های شهید در جهاد دانشگاهی، و در نهایت پوشیدن لباس رزم و فرماندهی مهندسی رزمی از صبوری، شخصیت برجسته‌ای ساخت، چنان که در جبهه معروف شد به بزرگ مرد کوچک. شهید علی صبوری قمی در اسفند ماه سال ۱۳۳۹ در محله نازی آباد تهران متولد شد. در سال ۱۳۵۷ در اوج انقلاب، با رتبه ۳ کنکور، وارد دانشگاه امیرکبیر (پلی‌تکنیک) شد. او از فعالین اصلی سازمان دانشجویان مسلمان در جریان انقلاب و تسخیر لانه جاسوسی بود که کار حفاظت از گروگان‌ها را بر عهده داشت. پس از آن، به عضویت شورای مدیریت جهاد دانشگاهی درآمد و با آغاز جنگ، مسئولیت واحد مهندسی رزمی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) را برعهده گرفت. سرانجام در عملیات خیبر، هنگام انجام وظیفه برای بازسازی و هماهنگی نیروها، هدف مستقیم موشک مالیوتکا قرار گرفت و به شهادت رسید.

«برادران قاسم»؛ روایتی از عملیات والفجر ۸

کتاب «برادران قاسم» به قلم ساسان ناطق که خاطرات میرزاعلی برمکی از عملیات والفجر ۸ است، به کوشش انتشارات سوره مهر منتشر شد.

میرزاعلی برمکی متولد سال ۱۳۴۳ در محله آقاکاظم اردبیل است. او چهارمین فرزند فتحعلی و اقلمیه است. مرحوم فتحعلی دوست داشته پسرش ادامه تحصیل بدهد و دکتر شود؛ اما برمکی به شوق همراهی دوستان و همکلاسی‌هایش در نبرد با عراقی‌هایی که وارد خاک کشورش شده بودند، دیپلم می‌گیرد و تیرماه ۱۳۶۲ لباس پاسداری به تن می‌کند. او در عملیات‌های کردستان، خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵ و مرصاد شرکت کرد. او از جانبازان ۳۵ درصدی جنگ تحمیلی است.

نقدی بر داوری جشنواره فیلم کوتاه

از نادیده گرفتن فیلم‌های محبوب تا الگوسازی با فیلمی گران

در چهل و دومین جشنواره فیلم کوتاه تهران، غیبت چند فیلم محبوب و مردمی در فهرست نامزدها جای سؤال دارد و نگرانی‌هایی را درباره آینده تولیدات سنگین و تنوع ژانری در سینمای کوتاه ایران به وجود آورده است.

به گزارش تسنیم، همیشه بعد از پایان جشنواره‌ها، اعتراضات و انتقاداتی به داوری و انتخاب نامزدها و برگزیدگان هر جشنواره‌ای وجود دارد و چهل و دومین جشنواره فیلم کوتاه تهران نیز از این قاعده مستثنا نیست. از این جهت، به‌طور کلی نمی‌توان ایراد جدی بر جشنواره وارد دانست. بدون شک فرایند انتخاب و داوری جشنواره نیز بسیار دشوار است.

اما آن چیزی که از بعد اعلام نامزدها برای بسیاری از اصحاب رسانه و مخاطبان جای سؤال بود، عدم حضور چند فیلم محبوبی بود که تقریباً هر روز در میان ۱۰ فیلم برتر جشنواره حضور داشتند؛ فیلم‌هایی که هم از نظر ساخت و هم از نظر مضمون و نگاه، حرف تازه داشتند، خلاق بودند و موجز.

البته به‌جز «خداحافظ آشغال» -که سایه آن از همان ابتدا بر سر فیلم‌سازان جوان‌تر سنگینی می‌کرد-، این سؤال وجود دارد که چطور ممکن است چند فیلم پای ثابت آرای مردمی در میان نامزدها حضور نداشته باشند؟ در نظر داشته باشیم که بیشتر آرای مردمی در جشنواره فیلم کوتاه تهران توسط فیلم‌سازان و عوامل فیلم‌های کوتاه جشنواره، دانشجویان هنر و طرفداران حرفه‌ای سینما انجام می‌شود. بنابراین مخاطبان این جشنواره را باید مخاطبانی جدی و خاص در نظر گرفت و آرای آنان را به‌راحتی کنار نگذاشت.

آنچه که به نظر می‌رسد رخ داده، تلاش برای مستقل‌سازی جشنواره در نسبت با ارگان‌ها است. در سال‌های قبل، سهم ارگان‌ها از فیلم‌های کوتاه شاید در هیچ دوره‌ای به اندازه امسال نبود و البته نه صرفاً هر فیلمی، بلکه فیلم‌هایی که توانستند در میان آرای مردمی جای ثابت داشته باشند. معلوم نیست که این نادیده‌گیری برای چیست، اما قدر معلوم آن است که شاید در دوره جدید جشنواره و انجمن سینمای جوان، فیلم‌های ارگانی سهم کمتری داشته باشند.

اما این نگرش چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد؟ اولاً ارگان‌ها نقش بسیار مهم و حیاتی در سینمای کشور دارند. از کوتاه و مستند تا پویانمایی و بلند، هر ساله چندین اثر مهم ساخته و روانه جشنواره‌های داخلی و خارجی می‌شوند. نادیده گرفتن آن‌ها قطعاً سهم تولیداتشان را در جشنواره‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش میزان تولیداتشان خواهد شد. نتیجه آنکه جوانانی که برای فیلم‌هایشان همواره با مشکل بودجه روبه‌رو هستند، حالا روزنه امید کمتری خواهند داشت.

ثانیاً همه ارگان‌ها دیگر به‌خوبی به این نکته قائل شده‌اند که باید فیلم‌ها کیفی و برخوردار از ارزش‌های سینمایی بالا باشند و در ژانرهای مختلف ساخته شوند. فیلم‌های جشنواره امسال نیز شاهد همین مدعا هستند. «تخطی»، «خیلی خیلی دور و بسیار نزدیک»، «تایپیست»، «دریچه» و «۲۱» همگی فیلم‌های جذاب و خوش‌ساختی هستند که مخاطب را وادار به تحسین کرده‌اند و هرکدام در یک گونه سینمایی متفاوت - پلیسی، کودک، درام تاریخی، درام عاشقانه و اجتماعی - ساخته شده‌اند. بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند تنوع ژانری در سینمای کوتاه را که به‌تازگی حاصل شده بود، از دست بدهد. از میان این فیلم‌ها، تنها «تخطی» در یک بخش آن هم بدون جایزه و «تایپیست» هم در یک بخش فرعی با جایزه بودند.

نکته آخر در مورد داوری جشنواره فیلم کوتاه تهران، پدیده «خداحافظ آشغال» است. فیلم برادران ارک، فیلم جالب و بامزه‌ای است که نگاهی متفاوت به یکی از مسائل بسیار حاشیه‌ای زندگی آدم‌ها دارد؛ فیلمی خوش‌ساخت و همه‌پسند، اما بسیار گران. به نظر می‌رسد که توجه بسیار زیاد به چنین فیلمی - که البته حضور سازندگان آن بعد از یک فیلم بلند حرفه‌ای با جوایز متعدد، کارگردانان جوان را تحت الشعاع خود قرار دهد- فیلم‌سازان را وادار به گران‌سازی می‌کند. الگویی که قطعاً جریان فیلم‌سازی جوان را دچار آسیب می‌کند و از مسیر اصلی خود دور می‌سازد.

اما در ادامه همین مسئله باید از مسئولان جشنواره و انجمن پرسید که فیلم‌سازان برای تولید چنین فیلمی باید به سراغ همان ارگان‌هایی بروند که انگیزه آن‌ها را برای ساخت کم کردید. پس این بچه‌ها کجا بروند؟!

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان خرم آباد–سری (۷۴۳) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

۱ – تقاضای «آقای بهمن شفیع پور» فرزند «محمد» نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۱۷۶,۶۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۲۱۸» فرعی از «۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدعلی سبزی دره گرمی»

۲– تقاضای «آقای رامین محمودی» فرزند «شفیع» نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۱۰۸۴,۲۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۲۱۱» فرعی از «۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سیف علی فرجی»

۳– تقاضای «آقای جلال سپهوند» فرزند «موسی» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۸۳۷,۰۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۲» فرعی از «۳۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه « مجتبی لرستانی»

۴ – تقاضای «آقای جلال سپهوند» فرزند «موسی» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۶۸۲۲,۱۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۸» فرعی از «۳۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مجتبی لرستانی»

۵ – تقاضای «آقای جلال سپهوند» فرزند «موسی» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۵۹۵۲,۰۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۶» فرعی از «۳۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مجتبی لرستانی»

۶– تقاضای «آقای جلال سپهوند» فرزند «موسی» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۳۷۹۰,۴۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۳» فرعی از «۳۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مجتبی لرستانی»

۷ – تقاضای «آقای جلال سپهوند» فرزند «موسی» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۷۰۶,۴۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴» فرعی از «۳۲» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «نفیسه لرستانی»

۸ – تقاضای «آقای جلال سپهوند» فرزند «موسی» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۶۱۲۱,۳۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۷» فرعی از «۳۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مجتبی لرستانی»

۹ – تقاضای «آقای جلال سپهوند» فرزند «موسی» نسبت به «ششدانگ زمین مزروعی» بمساحت «۴۷۱۷,۴۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۴» فرعی از «۳۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مجتبی لرستانی»

۱۰– تقاضای «خانم فرزانه بیرانوند» فرزند «خوردعلی» نسبت به «شش نهم دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی»و «خانم فرحناز بیرانوند » فرزند «خوردعلی» نسبت به «شش نهم دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی »و «خانم معصومه بیرانوند » فرزند «علیرضا» نسبت به «شش نهم دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی »و «خانم نگار بیرانوند » فرزند «علیرضا» نسبت به «شش نهم دانگ مشاع از ششدانگ زمین مزروعی »بمساحت «۲۸۹۵,۲۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۰۴۱» فرعی از «۱۰» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «داربلوط بیرانوند»

شناسه آگهی ۲۰۱۲۶۷۶

نوبت اول ۱۴۰۴/۷/۱۹ ، نوبت دوم ۱۴۰۴/۸/۴

فرشاد بازوندی نژاد

رییس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهرری

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۶۵۵۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای علیرضا ابوالحسنی فرزند فیروز بشماره شناسنامه ۰۰۱۹۴۴۷۳۹۶ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۰ مترمربع پلاک ۶۴۹ فرعی از ۴ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای سعید ابوالحسنی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۷/۱۹

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۸/۴

م الف ۱۰۹۴

سید مهدی لامعی

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرری

آگهی مفقودی

مفقودی شناسنامه(برگ سبز) ، فاکتور فروش (سند کمپانی) کارت خودرو سواری سیستم پژوتیپ PARSXU۷ مدل ۱۴۰۲ برنگ مشکی متالیک شماره موتور ۱۲۵k۰۲۳۵۹۲۴ شماره شاسی NAANA۱HLFPYA۳۵۲۱۹ شماره پلاک ایران ۱۷ – ۶۷۷ب۳۷ به نام پوریا نوروزی توپوز آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .بندر عباس

مفقودی شناسنامه(برگ سبز) ، فاکتور فروش (سند کمپانی) کارت خودرو سواری سیستم پژو تیپ ۴۰۵جی ال ایکس آی۱/۸مدل ۱۳۸۷ برنگ نقره ای شماره موتور۱۲۴۸۷۰۳۰۵۹۹ شماره شاسی NAAM۰۱CA۴۸E۳۵۸۳۸۶ شماره پلاک ایران ۹۴– ۴۹۳د۶۹ به نام عماد دمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .بندر عباس

* برگ سبز و کارت موتورسیکلت سیستم پرند مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۱۲۷ – ۲۵۴۵۲ شماره موتور: ۰۱۲۵NB۳۱۴۱۵۳۷ به شماره شاسی ***۱۲۵A۹۳۵۴۲۱۱ NB۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

* برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ایران ۱۶ – ۱۶۶ ج ۶۱ شماره موتور: ۴۷۰۰۷۸۳ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۹۱۱۲۳۹۷۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

* برگ سبز خودرو سواری پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ایران ۱۶ – ۱۶۶ ج ۶۱ شماره موتور: ۴۰۴۶۴۳۱ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۹۰۷۴۸۲۱۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

* برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۱۶ – ۷۶۱ س ۱۵ شماره موتور: M۱۳۵۷۹۹۰۸۶ به شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰H۳۵۸۵۸۶۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

* برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۱۶ – ۵۵۵ ل ۳۹ شماره موتور: ۱۶۵A۰۰۸۲۳۹۱ به شماره شاسی NAAP۰۳EE۹HJ۰۵۰۵۵۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

کارت ماشین سواری ام.وی.ام CVT-۵-ARRIZO مدل ۱۴۰۴ رنگ مشکی متالیک شماره موتور MVME۴T۱۵BAKR۰۷۲۲۵۴ شماره شاسی NATFCANR۳S۱۰۴۶۲۶۳ شماره پلاک ایران۶۲–۸۱۵ق۸۹ به نام رویا باقری سرخی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می گردد./م

مجوز حمل سلاح شکاری تک لول ساچمه زنی ته پر مدل کوسه کالیبر۱۲ ساخت ایران به شماره سلاح ۸۴۰۴۶۰۳ – N۱ متعلق به رجبعلی محمدی شارودی شماره شناسنامه ۲۶۶ متولد ۱۳۳۵ صادره ساری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می گردد./م

برگ سبز خودرو سواری پراید جی.تی.ایکس.آی به شماره پلاک ایران۷۲–۳۶۹ق۳۸ شماره موتور ۲۷۵۴۴۰۴ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۵۹۸۹۲۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می گردد./م

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری سایپا تیپ ۱۳۱SL به شماره پلاک ایران۷۲–۹۶۹ق۷۸ شماره موتور ۴۸۳۳۲۶۰ شماره شاسی NAS۴۱۲۱۰۰C۱۲۳۰۵۹۸ متعلق به عاطفه اسدی گرجی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می گردد./م

برگ سبز سواری سایپا ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۷ رنگ سفید شماره موتور M۱۳۶۲۰۰۸۷۹ شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰J۳۴۸۱۱۹۷ شماره پلاک ایران۶۲–۵۳۷د۲۸ به نام آرمین رمضانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می گردد./م

کارت خودرو سواری پراید SL ۱۳۲ به رنگ سفید مدل ۱۳۹۱ به شما موتور ۴۵۵۴۶۶۲ و شماره شاسی S۱۴۲۲۲۹۱۳۲۳۰۴۶ به شماره پلاک ایران ۸۳ – ۷۳۹ س ۵۶ بنام انسیه رضایی فرزند مهدی به شماره ملی ۳۴۹۰۴۵۸۵۹۱ مفقودی گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. بوشهر